

بررسی ماهیت حقوقی - اقتصادی سپرده‌های بانکی

یعقوب محمودیان

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

نام نویسنده مسئول:

یعقوب محمودیان

چکیده

پایه و اساس بانکداری متعارف بهره است و نمی‌توان پوسته بانکداری منتسب به سرمایه‌داری را بدون هسته اصلی آن به کار گرفت. برخورد التقاطی با نظام بانکی باعث شده است که عملیات بانکی به شدت به سمت مبهم و پیچیده شدن برود و قراردادهای نیز کاملاً صوری شده و به سبب بالا رفتن هزینه‌ها، نظارت و کنترل نیز کاملاً حذف شود. مسلماً تا بخش تجهیز منابع به خوبی و براساس ضابطه‌های پذیرفته شده شرع و اقتصاد عمل ننماید، نمی‌توان انتظار داشت که بخش تخصیص منابع بصورت ایده‌آل عمل نماید. در بانکداری اسلامی تفاوت ماهوی با بانکداری متداول وجود دارد. در این نوع از بانکداری اگر بطور ایده‌آل و مطلوب اجرا شود، تخصیص منابع کاملاً وابسته و مرتبط با تجهیز منابع خواهد بود. به همین دلیل اگر بخواهیم اصلاحی در الگوی فعلی بانکداری انجام دهیم این اصلاح باید از قسمت تجهیز منابع شروع شود به همین دلیل در این مقاله با بررسی ماهیت حقوقی عقود مورد استفاده در تجهیز منابع، پیشنهادات موثری در این زمینه ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: سپرده، بانکداری، عقد وکالت، عقد قرض، ودیعه

مقدمه

بانکداری بدون ربا در ایران بر اساس ضرورت اسلامی کردن عملیات بانکداری شکل گرفته است. بی تردید سالیان درازی باید بگذرد تا این ایده آل در محک تجربه و ارزیابی به تدریج قوام یافته و کامل گردد. بخشی از ایرادات در سیستم بانکی ناشی از به کارگیری مکانیسم‌ها و روابط حقوقی خاصی است. در ایران برای انجام عملیات سپرده‌گذاری بدون ربا از رابطه‌ی حقوقی قرض الحسنه و وکالت استفاده شده است. بخشی از نارسایی‌های بانکداری بدون ربا در سپرده‌گذاری می‌تواند ناشی از عدم به کارگیری صحیح این عقود باشد (سیفلو، ۱۳۸۹: ۶۷).

برای جذب سپرده‌ها و نقدینگی در اقتصاد نیاز به ابزار و انگیزه برای سپرده‌گذار است. در سیستم بانکداری ربوی بهره‌ازاری برای کنترل و جذب سپرده‌گذار است. اما در سیستم بانکداری بدون ربا فقدان اهرم کافی برای جذب سپرده‌ها به چشم می‌خورد. در بانکداری ربوی، نرخ بهره از پیش تعیین شده صاحبان وجوه را به ویژه در جوامعی که ربا ممنوع نیست به سوی بانک می‌کشاند. اگر بانک به پول بیشتری نیاز داشته باشد، نرخ بهره سپرده‌های بانکی را افزایش می‌دهد و هرگاه احساس کند نیاز به پول کمتری دارد، نرخ بهره سپرده‌ها را کاهش می‌دهد. در بانکداری بدون ربا بانک دو نوع وجوه مالی دریافت می‌کند، یک نوع قرض الحسنه و دیگر سپرده سرمایه‌گذاری است. در مورد پس انداز قرض الحسنه مهمترین انگیزه باید انگیزه معنوی باشد، وجود قوت این انگیزه در جامعه به روحیه معنوی و دوستی مردم باز می‌گردد. اگر این روحیه در مردم قوی باشد، رقم پس انداز افزایش می‌یابد و اگر ضعیف باشد این رقم کاهش می‌یابد.

اهرم دیگر جذب پس انداز جوایز بانکی است که از نظر شرعی نیز بلا مانع است^۱ ولی این اهرم در بانکداری ربوی نیز وجود دارد. بنابراین، بانکداری ربوی از یک اهرم مادی قوی در جذب پس انداز برخوردار است. یعنی نرخ بهره در بانکداری بدون ربا وجود ندارد؛ البته اگر در جامعه در زمینه انگیزه‌های معنوی و مردم دوستی تبلیغ لازم انجام شود، به علاوه برای جبران کاهش ارزش پول در صورت وجود تورم اقدام اساسی صورت گیرد یا جلوی کاهش ارزش پول گرفته شود تا حدود زیادی این نقص جبران می‌شود.

در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری، بانکداری بدون ربا از اهرم سود انتظاری و علی‌الحساب استفاده می‌کند. این اهرم تا حدودی موثر است به خصوص در صورت نبودن بانک ربوی رقیب اما در مقایسه با بانکداری ربوی این اهرم کارایی سود قطعی بانک ربوی را ندارد مگر آنکه همواره نرخ سود انتظاری بانک بالاتر از نرخ بهره متعارف باشد که چنین چیزی شاید ممکن نباشد.

نکته مهم دیگر فقدان اهرم کافی برای جذب سپرده‌های حساب جاری در بانکداری بدون رباست، زیرا با تحریم ربا نمی‌توان به این گونه سپرده‌ها بهره پرداخت و حال آن که در بانکداری ربوی می‌توان بر این نوع سپرده‌ها نیز بهره افزود (میرجلیلی، ۱۳۷۴: ۱۶۰ و ۱۶۱).

اشکالات ناظر بر سپرده‌های نظام بانکی ایران**اشکالات سپرده‌های قرض الحسنه**

حساب‌های پس‌انداز، از سپرده‌های رایج نظام‌های بانکی، و ویژگی آن این است که اشخاص حقیقی و گاه حقوقی، وجوه مازاد بر هزینه‌های جاری خود را برای مدت نامعین به چنین حسابی واریز کرده، در برابر آن، دفترچه پس‌انداز می‌گیرند تا هنگام نیاز، وجوه مذکور را دریافت کنند. ماهیت چنین سپرده‌ای قرض است و در بانک‌های متداول به‌طور عموم به آن‌ها بهره تعلق می‌گیرد. در بانکداری بدون ربا، پرداخت بهره ممنوع است؛ اما برای تشویق سپرده‌گذاران جوایزی در نظر می‌گیرند. این جوایز که بدون شرط و تعهد قبلی پرداخت می‌شود، به صورت نقدی و جنسی است و از طریق قرعه بین صاحبان حساب توزیع می‌شود. استفاده از قرارداد قرض الحسنه در سپرده پس‌انداز و جاری به این صورت که در قانون عملیات بانکداری بدون ربا آمده و عمل می‌شود، اشکالات متعددی دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- عدم تناسب عنوان "قرض الحسنه" با این نوع سپرده

مطابق آیات و روایات، قرض الحسنه عبارت از قرض بدون بهره‌ای است که فرد نیکوکاری در اختیار نیازمندی قرار می‌دهد تا با استفاده از ارزش زمانی پول، فرد نیازمند، احتیاج خود را تأمین کند؛ پس به کارگیری واژه‌ی قرض الحسنه در سپرده‌های پس‌انداز بانکی که صاحبان آن‌ها به اغراض دیگری چون حفظ و نگهداری وجوه، کسب درآمد و... سراغ بانک می‌روند، بی‌معنا است (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۷-۵۲).

شاید بتوان گفت عنوان «سپرده قرض الحسنه» از نظر مفهوم نیز دارای ایراد است. طبیعت این سپرده، نوعی ودیعه و امانت است که بانک دریافت می‌کند ولی قرض در مورد وام‌هایی است که بانک به وام‌گیرندگان می‌دهد و به هر حال هیچ یک از دو عنوان «سپرده جاری» و «پس‌انداز» را که در بانک‌داری عرفی پذیرفته شده است نمی‌توان از مصادیق قرض الحسنه دانست (کاشانی، ۱۳۷۶: ۱۰۰).

۲- کاهش ارزش پول در طول زمان

از ویژگی‌های بارز اقتصاد قرن اخیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه وجود نرخ تورم‌های دو رقمی در مقاطع زمانی بلند مدت است و این موجب پایین آمدن ارزش پول و پدیدار شدن مشکلات حقوقی و اقتصادی پیچیده‌ای در معاملات مدت‌دار و بدهی‌های معوقه می‌گردد. فروشنده‌ای که اجناس خود را به صورت نسیه فروخته بود، حال می‌بیند به خاطر تورم، همان جنس را با همان قیمت نمی‌تواند از عمده فروش خریداری کند. طلبکاری که به جهت گوناگون چون اختلاف حقوقی، امتناع بدهکار از پرداخت، ناتوانی بدهکار برای مدت زمان طولانی، نتوانسته طلب خود را وصول کند، متوجه می‌شود مبلغ اسمی قابل دریافت در مقابل ارزش واقعی طلب، تفاوت فاحش دارد. به کارگیری قرارداد قرض‌الحسنه در سپرده‌های پس‌انداز باعث شده بانک‌ها نتوانند سودی به سپرده‌گذاران بپردازند؛ چرا که به فتوای مشهور فقیهان از جمله حضرت امام خمینی (قدس سره) اشتراط هر نوع زیاده و بنا گذاشتن بر هر نوع زیاده در قرارداد قرض، هر چند برای جبران کاهش ارزش پول، ربا به شمار می‌آید (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ج ۲: ۲۹۰)

سپرده‌گذارانی که به امید دست یافتن به سود در حساب‌های سپرده بلند مدت پنج ساله، سرمایه‌گذاری کرده بودند، متوجه می‌شوند نه تنها سودی نبرده‌اند بلکه بعد از پنج سال قادر به دریافت ارزش واقعی اصل سپرده‌شان نیستند. وجود ده‌ها بلکه صدها مثال از این قبیل باعث شده حقوقدانان دنیا به ویژه فقها و حقوقدانان مسلمان به دنبال پیدا کردن راه حل منطقی و مناسب باشند و این موجب پیدا شدن نظریه‌های مختلف در این عرصه شده است (سیفولو، ۱۳۸۹: ۷۱).

۳- عدم مصرف صحیح سپرده‌های قرض‌الحسنه و اعطای جایزه

تجربه بیست ساله بانکداری اسلامی نشان می‌دهد که بانک‌ها، مانده سپرده‌های پس‌انداز را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی در زمینه‌های سودآور سرمایه‌گذاری می‌کنند و سود حاصله را به عنوان سود منابع بانکی تملک می‌کنند (با این اعتقاد که قرارداد فیما بین سپرده‌گذار و بانک، قرارداد قرض‌الحسنه است و منابع بعد از سپرده‌گذاری به مالکیت بانک در می‌آید)، سپس برای تشویق سپرده‌گذاران بخشی از آن سود را به عنوان جوایز بانک از طریق قرعه کشی به بعضی از سپرده‌گذاران می‌پردازند، و این پیامدهای منفی زیادی دارد (موسویان، ۱۳۸۳: ۴۴۱).

در همین زمینه برخی علما در خصوص مشروعیت دریافت جایزه از بانک‌ها شبهه کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به آرای زیر اشاره کرد:

• اگر سپرده‌گذاران، سپرده‌گذاری خود را در ضمن عقد یا مانند آن مشروط به قرعه کشی کرده باشند و بانک در پی اجرای این شرط دست به قرعه کشی بزند، این کار جایز نیست. همچنین گرفتن جایزه از سوی کسی که قرعه کشی به نامش درآمده - در صورتی که به صورت وفای به شرط باشد - جایز نیست و بدون آن جایز است (حسینی سیستانی، ۱۴۱۸: مساله ۲۴).

• اگر سپردن پول به بانک، قرض‌الحسنه به شرط شرکت دادن قرض دهنده در قرعه کشی جوایز نباشد و خود بانک برای تشویق قرض دهندگان جوایزی معین کند و قرض دهنده پول را به قصد قرض‌الحسنه بلا شرط بدهد اشکال ندارد هر چند قرض دهنده از برنامه جوایز بانک مطلع باشد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۸: سوال ۱۹۸۹).

در مورد دریافت کارمزد گرچه از دیدگاه برخی مراجع مجاز است، اما گروهی دیگر با توجه به ماهیت قرارداد بین بانک و گیرنده قرض، در آن شبهه می‌کنند:

• اگر صندوق قرض‌الحسنه و مسئولان آن به صورت واسطه بین صاحبان وجوه عمل می‌کنند که به وکالت از آنها، پول آنها را به وام گیرنده قرض می‌دهند که وام دهنده، صندوق یا مسئول صندوق نباشد، خود صاحب پول باشد در این صورت صندوق و مسوول آن می‌تواند مبلغ معینی را به صورت حق‌العمل و مخارج کاغذ و غیره از گیرنده وام بگیرد ولی اگر وجوهی که گرفته می‌شود جزو موجودی صندوق و ضمیمه وجوه بودجه اعتبار وامی صندوق می‌شود که طبعاً صندوق هم وام دهنده می‌شود. وام دادن به شرط اینکه وام گیرنده پول بهای این هزینه‌های صندوق را به صندوق بدهد اشکال دارد و حکم ربا را دارد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۸: پرسش ۱۹۸۵).

آیت الله سیستانی در این باره معتقدند: «قرض دهندگان نمی‌توانند به صورت کارمزد پولی بر قرض گیرنده شرط کنند ولی اگر قرض

گیرنده مبلغی را به صورت جعل برای کارمندان که مقدمه‌های معامله را انجام می‌دهد تعیین کند بی اشکال است».

همه این اشکالات، از این حکایت دارد که انتخاب قرارداد قرض‌الحسنه به صورت قرارداد جایگزین قرض با بهره برای سپرده‌ی پس‌انداز، انتخاب درستی نیست و با روح قرارداد قرض‌الحسنه که قراردادی خیرخواهانه است و با روح صنعت بانکداری و اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران، تناسب ندارد (سیفولو، ۱۳۸۹: ۷۴).

اشکالات ناظر بر سپرده‌های سرمایه‌گذاری (وکالتی)

در این قسمت مشکلات پیش روی سپرده‌گذاری سرمایه‌گذاری در تجربه بانکداری بدون ربای ایران می‌پردازیم. مسائل پیش روی این نوع سپرده‌گذاری هم می‌تواند معلول به کارگیری رابطه حقوقی وکالت باشد و هم می‌تواند ناشی از عملکرد صنعت بانکداری ایران و فضای اقتصاد نابسامان ایران باشد. از اینرو در ادامه به صورت طبقه‌بندی شده به بررسی مشکلات و مسائل پیش روی سپرده سرمایه‌گذاری می‌پردازیم.

۱- عدم رعایت حق نظارت و کنترل موکل (سپرده‌گذار) بر وکیل (بانک)

در قرارداد وکالت، شخص موکل، حق نظارت و کنترل بر اقدامات وکیل را دارد و این حق تا هنگامی که رابطه وکالت باقی است، ادامه دارد. این حق قابل اسقاط نیست و بنابراین وکیل موظف است بر خلاف راهنمایی‌های موکل کاری انجام ندهد. و حال آنکه سپرده‌گذاران، هیچ یک نه به تنهایی و نه گروهی و نه حتی همه آنان حق هیچ نظارت و کنترل و یا دخالتی در اقدامات و قراردادهای بانک با وام‌گیرندگان را ندارند. درست است که بانک در تنظیم قراردادهای وام از همین وجوه سپرده‌گذاران بهره‌برداری می‌کند ولی بانک قراردادهای خود را اصالتاً امضاء کرده و به مورد اجرا می‌گذارد (سیفلو، ۱۳۸۹: ۷۷).

۲- وجود ذخیره قانونی برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری

بانک‌ها بر اساس قرارداد وکالت موظفند سپرده‌های سرمایه‌گذاری را در بهترین شکل بکار گیرند و سود حاصل را پس از کسر حق الوکاله خود به سپرده‌گذار بپردازند؛ اما مسأله این است که با توجه به تودیع درصدی از سپرده‌های مذکور نزد بانک مرکزی، تحت عنوان سپرده قانونی و محروم شدن بانک‌ها از آن برای استفاده در تسهیلات و در نتیجه کاهش سهم سود سپرده‌گذاران، آیا این روند خدشه‌ای به موازین شرعی حاکم بر روابط وکیل و موکل وارد نمی‌کند؟ در واقع در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری، ذخیره قانونی چندان توجیه شرعی ندارد و باید به این مسأله نیز توجه داشت که منشأ اصلی خلق پول در سیستم بانکی، سپرده‌های دیداری‌اند و سپرده‌های سرمایه‌گذاری نقش چندانی در خلق پول ندارند. در این صورت سپرده قانونی که عاملی برای اجرای سیاست‌های پولی انبساطی و انقباضی و کاهش یا افزایش خاق پول تلقی می‌شود، در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند در سطح حداقل تعیین شود (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۲۱ و ۲۲۲).

۳- عدم سازگاری روش‌های تجهیز منابع با سلیقه سپرده‌گذاران

این یک واقعیت است که تجهیز و تخصیص به هم مرتبطند و ما هر قدر بخواهیم تخصیص بزرگ‌تر و در مقیاس وسیع‌تری داشته باشیم باید تجهیز را در سطح گسترده‌تری انجام دهیم (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۳۰). نظام بانکداری اسلامی ایده‌آل باید با طراحی انواع سپرده‌ها، توان جذب وجوه مازاد همه سپرده‌گذاران را داشته باشد. مطالعه اهداف، انگیزه‌ها و روحیات سپرده‌گذاران در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که دست کم هفت نوع سلیقه در بین سپرده‌گذاران وجود دارد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ۶۹۶):

۱. کسانی که برای استفاده از خدمات حساب جاری به سپرده‌گذاری اقدام می‌کنند.
 ۲. کسانی که برای مشارکت در ثواب اعطای قرض‌الحسنه به سپرده‌گذاری اقدام می‌کنند.
 ۳. کسانی که به قصد پس‌انداز، سپرده‌گذاری نموده و در عین حال می‌خواهند سود نیز دریافت کنند.
 ۴. کسانی که به منظور دستیابی به سود معین سپرده‌گذاری می‌کنند. و ریسک‌گریز هستند.
 ۵. کسانی که برای کسب امتیاز تسهیلات بانکی یا استفاده از امتیاز اعتبار در حساب جاری سپرده‌گذاری می‌کنند.
 ۶. کسانی که برای رسیدن به سود انتظاری بالاتر سپرده‌گذاری می‌کنند و آماده پذیرش ریسک هستند.
 ۷. کسانی که مایل به سرمایه‌گذاری در یک پروژه یا صنعت خاصند و حاضر به سپرده‌گذاری به صورت مشاع و کلی نیستند.
- الگوی فعلی بانکداری بدون ربا در کشور فقط برای برخی از گروه‌های فوق جواب مناسب دارد. در حالی که طراحی سپرده‌های مناسب برای دیگر گروه‌ها نیز یک ضرورت است.

۴- سود علی‌الحساب

سود علی‌الحساب وجهی است که قبل از اتمام و به نتیجه رسیدن عملیات سرمایه‌گذاری و حصول و محاسبه و سود قطعی از جانب بانک به صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری پرداخت می‌شود (میرجلیلی، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری معمولاً کسانی هستند که می‌خواهند ضمن حفظ اصل سرمایه خود، از سود حاصل از آن استفاده کنند. از آن جا که در یک نظام بانکی با میلیاردها ریال سپرده‌ی سرمایه‌گذاری مشاع، امکان محاسبه سود قطعی حاصل از عملیات و سهم هر

یک از سپرده‌گذاران در فواصل زمانی کوتاه ممکن نیست. تعبیه نرخ سود علی‌الحساب در بانکداری جدید در ایران و پرداخت ماهانه یا سه ماه یک بار آن به سپرده‌گذاران، در واقع برای رفع همین مشکل بوده است. به عبارت دیگر مسئولان نظام بانکی کشور به این نتیجه رسیده‌اند که برای جلوگیری از بروز بحران انگیزه، می‌تواند با اعلام نرخ «سود علی‌الحساب» در ابتدای هر دوره و پرداخت ماهانه مبلغی به عنوان سود علی‌الحساب به سپرده‌گذار، او را نسبت به سپرده‌گذاری در بانک راغب کند (همان: ۱۲۹).

در حال حاضر برای پرداخت سود به سپرده‌های کوتاه مدت و بلند مدت، ماهیانه رقم سود براساس مبلغ و مدت سپرده توسط شعبه بانک محاسبه و از محل بدهکاران داخلی کلیه شعب در اداره امور مالی تجمیع و مانده آن به حساب سود پرداختی منظور می‌شود. حساب مذکور در دفاتر بانک ماهیت هزینه داشته و نهایتاً در سود و زیان بانک ارائه می‌شود (شیرانی، ۱۳۸۶: ۲۷۷). از این رو سود علی‌الحساب اعلام شده از سوی بانکها سود قطعی تلقی می‌شود. مسئله پرداخت سود علی‌الحساب علاوه بر اینکه در مشروعیت خود، بذاته محل سوال است، زمانی که به عنوان سود قطعی تلقی شود موضوع شبهه دیگری است. چنین تعاملی، تعامل سود قطعی با پرداخت علی‌الحساب، علی‌الخصوص زمانی که بانکها این پرداختها را در حساب‌های خود به عنوان هزینه وارد می‌کنند، شبهه را متبادر می‌سازد؟ در این صورت این سوال مطرح می‌شود که آنچه بانکها تحت عنوان سود علی‌الحساب به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند، از نظر حقوقی چگونه قابل توجیه است.

اصولاً مفهوم «علی‌الحساب» به معنی مبادله موقت پول و مانند آن بین دو شخصیت حقیقی یا حقوقی است. بدین معنی که یکی از طرفین وجهی را به طرف مقابل می‌پردازد، مشروط بر این که پس از محاسبه و حسابرسی، چنانچه گیرنده، واقعاً نسبت به تمام یا بخشی از وجه دریافتی، طلبکار نباشد، آن را به پرداخت کننده مسترد نماید. بدیهی است قبل از انجام حسابرسی، به دلیل این که هنوز بدهکار بودن پرداخت کننده محرز نشده است، دریافت کننده معادل وجهی که به طور علی‌الحساب دریافت کرده، به پرداخت کننده مدیون است. این مطلب کلی در مورد رابطه میان بانک و صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیز صادق است.

به عبارت دیگر، اگر مفهوم واقعی سود علی‌الحساب در نظر باشد با پرداخت سود علی‌الحساب، اگرچه عین پول پرداختی به ملکیت سپرده‌گذار در می‌آید ولی ذمه وی تا زمان معلوم شدن سود قطعی، معادل همان مبلغ به نفع بانک مشغول می‌گردد. این مفهوم چیزی جز مفهوم قرض در عقود اسلامی نیست. به این ترتیب ماهیت حقوقی وجوهی که با عنوان سود علی‌الحساب به سپرده‌گذار پرداخت شود تنها در قالب مفهوم قرض قابل توجیه و تبیین است (میرجلیلی، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

با توجه به اینکه به حساب‌های کوتاه‌مدت عادی به صورت روزشمار سود پرداخته می‌شود و ثبات این گونه حساب‌ها گاهی به یک هفته هم نمی‌رسد لذا بر اساس عقد وکالت پرداخت سود به این گونه حساب‌ها هیچ‌گونه توجیه شرعی ندارد و مفهوم سود علی‌الحساب در مورد این گونه حساب‌ها قابل اجرا نیست و از همان اول پرداخت سود قطعی از سوی بانک برای سپرده‌گذار تضمین شده است (سیف‌لو، ۱۳۸۹: ۸۴).

۵-عدم قابلیت برای ایجاد بازار ثانویه سپرده‌ها

یکی از نقش‌های مهم و اساسی نظام بانکی که در قانون بانکداری بدون ربا نیز آمده است تنظیم و کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار در اقتصاد است.^۱ بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای سیاست پولی به این امر مهم می‌پردازد و کاراترین ابزار عملیات بازار باز یا خرید و فروش اوراق قرضه است که به سرعت بر حجم پول و نرخ بهره اثر گذاشته متغیرهای اساسی اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد با الغای بهره از نظام پولی و بانکی، اوراق قرضه که از مصادیق روشن قرض با بهره و رباست نمی‌تواند جایگاهی در نظام بانکی داشته و مورد استفاده قرار گیرد. در این شرایط اگر می‌شد برای سپرده‌ها ی مدت‌دار بازار ثانویه تشکیل داد بانک مرکزی می‌توانست با وارد شدن در آن بازار اقدام به خرید و فروش گواهی‌های سپرده کرده حجم پول و نرخ سود را کنترل و تنظیم نماید. لکن در سیستم فعلی بانکداری بدون ربا در ایران به جهت حاکمیت رابطه حقوقی وکالت تنها بصورت سپرده، این امر از نظر فقهی و حقوقی پذیرفته نیست زیرا بر این اساس تنها راه دسترسی صاحبان سپرده به پول نقد این است که به بانک مراجعه کرده با فسخ کل یا بخشی از قرارداد وجوه لازم را دریافت کنند (سیف‌لو، ۱۳۸۹: ۸۷).

۱. برای تبدیل شدن سود علی‌الحساب به بهره، کافی است سپرده‌گذار را از قطعی شدن مبلغی که به عنوان سود علی‌الحساب دریافت کرده است مطمئن کرد. زیرا فارق اصلی میان بهره و سود علی‌الحساب، وجود یا فقدان عنصر اطمینان است. اگر سپرده‌گذار به طریقی مطمئن شود که سود علی‌الحساب دریافتی، حتی در صورت عدم حصول سود واقعی در عملیات سرمایه‌گذاری، از او باز پس گرفته نخواهد شد، در آن صورت، سود علی‌الحساب کارکردی دقیقاً مانند نرخ بهره خواهد داشت. به عبارت دیگر، اگر ویژگی عدم قطعیت از سود علی‌الحساب گرفته شود، دوگانگی بهره و سود علی‌الحساب به یگانگی تبدیل خواهد شد (میرجلیلی، ۱۳۸۱).

۲. ماده ۲ قانون بانکداری بدون ربا

۶- کاهش سپرده‌گذاری با وجود سود متغیر

همواره این نگرانی ابراز شده است که پیاده کردن نظامی مبتنی بر اصول و موازین اسلامی که متضمن تحریم کامل نرخ از پیش تعیین شده بهره ثابت برای استقراض است، ممکن است به کاهش سطح پس انداز منتهی شود. این ادعا بر اساس مباحث مختلفی مطرح شده است که مهمترین و قابل قبول‌ترین آنها آثار نامساعدی است که بی اطمینانی نسبت به نرخ بازده، بر سطح پس انداز می‌گذارد (خان و میرآخور، ۱۳۷۰: ۱۹۷).

۷- کاستی‌های سیستم حسابداری

بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا سپرده‌های سرمایه‌گذاری مردم نزد بانک‌ها، برخلاف سپرده‌های دیداری و پس‌انداز که در قالب قرارداد قرض الحسنه به ملکیت بانک در می‌آیند و بدهی بانک به سپرده‌گذاران به حساب می‌آیند، در حکم دیون بانک به سپرده‌گذاران محسوب نمی‌شوند و ید بانک بر اینگونه سپرده‌ها ید مالکانه نیست، بلکه ید وکالت است. بنابراین در سپرده‌های سرمایه‌گذاری اصولاً قرضی رخ نمی‌دهد و مانده اینگونه سپرده‌ها را نمی‌توان بدهی بانک‌ها به سپرده‌گذاران برشمرد؛ اما طبق سیستم حسابداری موجود در بانک‌ها، تمام سپرده‌ها اعم از قرضی و وکالتی، در ستون بدهی ترازنامه بانک‌ها ثبت می‌شود و هیچ سیستم حسابداری مجزایی برای ثبت مانده حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری وجود ندارد.

از سوی دیگر در سیستم حسابداری مورد استفاده در نظام بانکی، سود پرداختی به سپرده‌گذاران را جزء هزینه‌های عملیاتی بانک به حساب آورده و در ردیف هزینه ثبت می‌کنیم. در حالی که منافع حاصل از سرمایه‌گذاری پس از کسر سهم سود بانک و حق الوکاله عیناً بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر بانک به عنوان واسطه و وکیل، سهم سود ناشی از سرمایه‌گذاری منابع سپرده‌گذاران را به آن‌ها می‌پردازد و از این رو این مبلغ نمی‌تواند جزء هزینه‌های عملیاتی بانک شمرده شود (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۲۲).

عقود مورد استفاده در تجهیز منابع بانک

در این قسمت به بررسی عقود می‌پردازیم که در بخش تجهیز منابع بانکداری اسلامی می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند.

۱- قرض

یکی از اصلی‌ترین و پرکاربردترین عقود در بخش تجهیز منابع بانکداری اسلامی، عقد قرض می‌باشد، از آنجا که مسئله ربا بطور مستقیم با عقد قرض در ارتباط است و مهمترین ویژگی بانکداری اسلامی حذف ربا از مناسبات مالی خود می‌باشد، لذا بررسی دقیق این عقد از اهمیت دوچندانی برخوردار خواهد بود.

تعریف قرض

قرض به معنای مجازات است، یعنی مستقرض مثل مالی که قرض گرفته‌است به مقرض بر می‌گرداند (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۰۴). در ماده ۶۴۸ قانون مدنی ایران عقد قرض چنین تعریف شده است: «قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند و طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد».

ماهیت عقد قرض

درباره ماهیت و اوصاف عقد قرض نکته‌های ذیل قابل ذکر است:

۱. **قرض عقدی تملیکی است:** در عقد قرض، مورد قرض به ملکیت مقرض در می‌آید؛
۲. **قرض عقدی معوض است:** عقد قرض به صورت مجانی صورت نمی‌گیرد بلکه مقرض با قرارداد قرض، متعهد می‌شود مثل یا قیمت مال قرض گرفته‌شده را به مقرض برگرداند؛
۳. **لزوم یا جواز عقد قرض:** در اینکه آیا قرض، عقدی جایز است یا لازم بین فقیهان اختلاف است و این اختلاف نه تنها بین فقیهان شیعه بلکه بین فقیهان اهل سنت نیز موجود است؛

۴. لزوم رعایت سررسید در عقد قرض: گروهی از فقیهان شیعه و اهل سنت باور دارند که اگر در قرارداد قرض شرط زمان شود قرض دهنده حق مطالبه پیش از سررسید را ندارد و گروهی آن را لازم‌الرعایه نمی‌دانند (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۵: ۳۰).

احکام اساسی عقد قرض

- قرض تملیک مال است و بعد از قبض و اقباض، تملک حاصل می‌شود؛
 - اگر مال مورد قرض مثلی باشد (مانند: گندم، جو، طلا و نقره)، به باور مقتضی باید مثل آن را به مقرض رد کند و اگر قیمی باشد (مانند گوسفند) مقتضی باید قیمت يوم القرض آن را به مقرض رد کند (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۵: ۱۸ و ۱۹)؛
 - درباره کاهش یا افزایش ارزش مورد قرض، چنانکه مورد قرض از اموال مثلی باشد مقتضی فقط ضامن رد مثل آن است؛ خواه قیمت آن در بازار افزایش یافته باشد و خواه کاهش (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۳۴۴)؛
 - چنانکه در قرض شرط شود که مقتضی زیادتر یا بهتر از آنچه قرض گرفته است به مقرض برگرداند، ربا و حرام است. همین‌طور اگر مقرض و مقتضی در این باره تبانی کرده باشند (مراجع تقلید، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۹۵)؛
 - اگر مقتضی بدون شرط قبلی خودش هنگام ادای دین مقداری اضافی به مقرض پرداخت کند اشکال نداشته، بلکه مستحب است. همچنین اگر مقرض بدون شرط قبلی امیدوار باشد یا علم داشته باشد به اینکه مقتضی بیش از بدهی‌اش برمی‌گرداند، بدون اشکال است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۵: ۷)؛
 - اگر در قرارداد قرض شرط شود که قرض گیرنده، چیزی را نزد قرض دهنده رهن (گرو) بگذارد یا فردی را به عنوان ضامن یا کفیل معرفی کند، چنین شرطی هر چند به مصلحت قرض دهنده است اما ربا و حرام نیست، زیرا این شرط در حقیقت نفع مالی برای قرض دهنده به دنبال ندارد و فقط پرداخت اصل بدهی را تضمین می‌کند. بلی اگر قرض دهنده شرط کند که از شیء به رهن گذاشته شده استفاده نماید ربا و حرام است اما بدون شرط و در صورت رضایت صاحب رهن، استفاده از منافع رهن اشکالی ندارد. در این مسائل نیز روایات و فتاوی فقها متفق است (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق: ۶۰۳).
 - گرفتن کارمزد برای اعطای قرض، به‌ویژه زمانی که این کار به‌وسیله مؤسسه‌ای مانند بانک یا صندوق قرض‌الحسنه صورت پذیرد جایز است. مؤسسه‌هایی که ناچار به تحمل هزینه‌هایی مانند: اجاره مکان، حقوق کارکنان، قیمت آب، برق و تلفن هستند، مقرض می‌تواند تمام این هزینه‌ها را به عنوان کارمزد از مقتضی دریافت کند و اگر تعداد قرض‌کننده‌ها فراوان است به تناسب بر کل آنها تقسیم کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۹۸).
- با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان مدعی بود که ضابطه اصلی در تشخیص اینکه معامله‌ای ربوی هست یا نه، وجود سه شرط در کنار هم است؛ به نحوی که اگر هر یک از آنها نباشد، معامله غیر ربوی می‌گردد (هر چند که ممکن است اشکالات فقهی دیگری مانند غرر یا ضرر بر آن وارد باشد و مشمول حرمت تکلیفی گردد). این سه شرط عبارتند از: الف) عقد مورد استفاده قرض باشد، ب) زیاده‌ای به نفع قرض دهنده وجود داشته باشد و ج) اینکه این زیاده مشروط و غیر اختیاری باشد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ۸۵)

آثار اقتصادی قرض‌الحسنه

- برخی آثار اقتصادی بر قرض‌الحسنه بار است که می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:
۱. چون مصرف‌کنندگان معمولاً از آنچه به صورت ذخیره احتیاطی نگه داشته‌اند قرض می‌دهند یا به تعبیر نظریه‌ی پرتفو چون از آنچه به صورت پول و شبه پول نگه داشته‌اند وام می‌دهند، این عمل موجب جریان یافتن وجوهی می‌شود که بدون آن نه مصرف می‌شوند، نه سرمایه‌گذاری. وجوهی که سرمایه‌گذاری می‌شوند باید «پس انداز» شوند. از پس انداز قرض داده نمی‌شود، زیرا همه آنچه را که مصرف‌کننده خرج نمی‌کند پس انداز یا سرمایه‌گذاری نمی‌نماید.
 ۲. چون این وجوه در اختیار سایر مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قرار می‌گیرد و تقاضای آنان تامین می‌شود، رفاه کل و تولید کل در اقتصاد بالا می‌رود.
 ۳. جریان اطلاعات در اقتصاد افزایش می‌یابد زیرا متقاضیان برای ابراز تقاضا و توجیه آن باید اطلاعات خود را ارائه دهند.
 ۴. در اثر انتشار و ازدیاد جریان اطلاعات خطر و نااطمینانی در اقتصاد کاهش می‌یابد.
 ۵. گسترش قرض‌الحسنه موجب بهبود توزیع درآمد میان قشرهای مختلف می‌شود.
 ۶. کارآیی اقتصادی بالا می‌رود.
 ۷. بالاخره به دنبال آثار فوق، گسترش خدمت قرض‌الحسنه می‌تواند از شدت تورم و رکود جلوگیری کند (صدر، ۱۳۷۴: ۱۳۲ و ۱۳۳).

وجود شرط در قرض

۱- شرط مدت

امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «اقوی آن است که اگر شرط مدت شود در قرض شرطش صحیح و لازم الوفا است و مقرض حق ندارد قبل از فرارسیدن آن اجل مطالبه نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۷ و ۲۱۸). نکته‌ای که اشاره به آن در این میان خالی از لطف نیست اینکه چنانچه قرض مدت‌دار باشد، مقرض می‌تواند در صورت رضایت مقرض، با زودتر از موعد پرداختن وام، مقداری از وام استقراضی را ساقط نماید که این مسئله تقریباً بین فقها اتفاق است. ابان بن تغلب از امام صادق (ع) سوال می‌کند: مردی از مرد دیگری طلبکار است، قبل از موعد پرداخت به بدهکار می‌گوید، نیمی از مدت دین را کاهش ده و من هم نیمی از بدهی را می‌کاهم. آیا چنین قراردادی صحیح است؟ امام می‌فرماید: آری (سیفولو، ۱۳۸۹: ۴۱).

۲- شرط زیاده

امام خمینی در این باره معتقدند: «در قرض جایز نیست که قرض دهنده شرط کند بیش از مقداری که داده بگیرد، حال چه اینکه صریحاً آنرا شرط کنند و یا در ضمیرشان چنین قراری داشته باشند و قرض را بر اساس آن قرار باطنی واقع سازند و این همان ربای قرضی حرام است که تشدید شدیدتری بر آن وارد شده است و فرقی نمی‌کند که این زیاده عینی باشد مانند ده درهم به دوازده درهم، یا کاری باشد مانند دوختن لباس برای قرض دهنده یا استفاده از منفعتی باشد مانند استفاده از عین رهنی که نزد قرض دهنده است، یا صفتی باشد مثل اینکه درهم‌های شکسته را قرض دهد و شرط کند که درهم‌های سالم بگیرد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۷ و ۲۱۸). اما حرمت زیادت وقتی است که آنرا در ضمن عقد شرط کنند و اما بدون شرط اشکال ندارد، بلکه برای مقرض مستحب است زیرا این خود عنوان حسن قضا را دارد که فرموده‌اند، (بهترین مردم کسی است که قضای دینش بهتر باشد) (همان: ۲۱۵ و ۲۱۶).

۳- قرض به شرط بیع محاباتی

در ارتباط با قرض به شرط بیع، چند حالت متصور است:

الف) مقرض از راه فروش کالای مقرض، مزدی دریافت می‌دارد؛ به گونه‌ای که اگر مقرض کالاهای خود را برای فروش در اختیار او نگذارد، به او قرض نمی‌دهد. یا اینکه: «مقرض چیزی قرض می‌دهد، به شرط اینکه مقرض او را وارد تجارت کند، قرض با این شرط بی اشکال است»

ب) قرض به شرط بیع یا اجاره به ثمن المثل، این حالت نیز اشکال ندارد.

ج) قرض به شرط بیع محاباتی و آن عبارت است از اینکه قرض بدهد، به شرط اینکه چیزی به کمتر از ثمن المثل از او بخرد و یا بیشتر از ثمن المثل بفروشد، از این جهت چون برای مقرض منفعتی به حاصل می‌شود، حرام می‌باشد و داخل در شرط زیادی است. در کتب الوسیله جامع الشتات، جواهر الکلام و غیره این نظر تایید شده است (فرزینوش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۱۳).

حضرت امام در این خصوص عقیده دارند: «اگر قرض گیرنده به قرض دهنده بگوید به تو قرض می‌دهم به شرطی که فلان جنس را به کمتر از قیمت به من بفروشی یا اجاره دهی شرط زیادی کرده زیرا این نیز داخل در شرط زیادت است، ولی عکس این صورت اشکال ندارد و آن این است که قرض گیرنده چیزی که مثلاً مورد حاجت قرض دهنده است به او بفروشد و بگوید من این را به شرطی به تو می‌فروشم که فلان مبلغ به من قرض بدهی» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۵).

۴- قرض به شرط رهن، ضمانت و کفالت

اگر در قرارداد قرض شرط شود که قرض گیرنده، چیزی را نزد قرض دهنده رهن (گرو) بگذارد یا فردی را به عنوان ضامن یا کفیل معرفی کند، چنین شرطی هر چند به مصلحت قرض دهنده است اما ربا و حرام نیست، زیرا این شرط در حقیقت نفع مالی برای قرض دهنده به دنبال ندارد و فقط پرداخت اصل بدهی را تضمین می‌کند (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۲۴). اما چنانچه شرط کند که از عین مرهونه منتفع شود، داخل در شرط زیادتی است و حرام می‌باشد ولی اگر شرط نکند و بعد از عقد قرض از او اجازه بگیرد که از مورد رهن منتفع شود اشکالی ندارد (سیفولو، ۱۳۸۹: ۴۵).

روایتی از امام صادق (ع) موبد این نظر است: «محمد بن مسلم می‌گوید از امام صادق (ع) سوال کردم از مردی که از مردی دیگر قرض می‌گیرد و چیزی نزد او رهن می‌گذارد، رهن ممکن است خادم، ظرف، یا لباس باشد، پس مقرض به منافع مورد رهن احتیاج پیدا می‌کند، از او اجازه می‌گیرد و او هم اجازه می‌دهد. فرمودند: چنانچه مقرض راضی باشد اشکال ندارد. پس من افزودم که اشخاصی هستند که هر نوع

منفعتی که قرض به دنبال داشته باشد را حرام می‌دانند. فرمودند: آیا بهترین قرض آن نیست که منفعتی به دنبال داشته باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ق: ۱۰۴).

نتیجه بحث شروط ضمن عقد این شد که کلیه شروطی که به گونه‌ای منفعتی برای مقرض به دنبال داشته باشد، داخل در شرط زیادتی بوده و حرام می‌باشد. اما چنانچه بدون شرط به منافی دست یابد، این منافع برای او حلال می‌باشد.

۵- شرط به نفع مقترض

به نظر امام خمینی (ره) این نوع اشتراط ضمن عقد قرض اشکال ندارد. «شرط زیادت علیه مقترض تنها حرام است، و اما شرط آن برای قترض و علیه مقرض اشکال ندارد مثل اینکه ده درهم به او قرض بدهد به شرطی که او هشت درهم برگرداند، و یا درهم‌هایی سالم به او قرض دهد به شرطی که او درهم‌هایی لب بریده به او پس بدهد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۶).

قول مشهور فقها در خصوص حکم اشتراط علیه مقرض مطابق فتوای امام است یعنی شرایطی که به گونه‌ای منافع مقترض را به همراه دارد را بلامانع می‌دانند.

۶- شرط فاسد در عقد قرض

چنانچه قرض مشتمل بر شرط فاسد، از جمله شرط زیادتی باشد، عده‌ای اصل قرض را باطل می‌دانند. در مسالک در این رابطه نقل اجماع شده است. مستند این قول، روایتی از رسول اکرم (ص) است که: «کل قرض یجر منفعه فهو حرام»، هر قرضی که منفعتی به دنبال داشته باشد، حرام است. که منظور قرضی است که مشتمل بر شرط زیاده باشد. در این صورت، با شرط زیاده، زیاده و اقراض و اقتراض حرام می‌باشد و همچنین تصرف در مال مقترض با داشتن علم حرام می‌باشد و مقترض مانند مال مغضوب، ضامن آن مال خواهد بود، زیرا فرض این است که باطل است و بر اساس قاعده مشهور، هر عقدی که صحیح آن ضامن آور باشد فاسد آن هم ضامن آور خواهد بود. محقق حلی در شرایع الاسلام و علامه در مختلف الشیعه، شهید اول ثانی در روضه البهیة و محقق ثانی موافق این نظر می‌باشند. اما صاحب الحدائق الناظره بعد از اینکه روایتی را که صاحب مسالک بدان استناد کرده از طریق اهل سنت می‌داند، مدعی است که بعد از تتبع در اخبار چیزی که مشعر به این مسئله باشد که شرط فاسد اصل عقد را باطل می‌کند، نیافته‌است؛ بلکه ظاهر روایات این است که فقط شرط باطل می‌باشد و روایاتی که اخذ زیاده را بدون شرط بدون اشکال می‌داند متوجه اخذ زیاده بوده و به اصل عقد اشاره نکرده است (سیف‌لو، ۱۳۸۹: ۴۶).

وکالت

شهید ثانی وکالت را این گونه تعریف می‌کنند: «الوکاله هی استنابه فی التصرف». شیخ باقر ایروانی نیز عقد وکالت را به صورت زیر تعریف می‌کنند: «الوکاله عقد یتضمن تسلیط الغیر علی معامله او ما هو من شوونها کالقبض و الاقباض». امام خمینی (ره) در تحریر وکالت را این گونه تعریف می‌کنند: «وکالت عبارت است از اینکه انسان کار خود را به دیگری واگذار کند که تا زنده است انجام دهد و یا تا زنده است یکی از امور او را راه بیندازد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۶۷).

در مجموع می‌توان وکالت را در اصطلاح به شکل زیر تعریف کرد: «وکالت عقدی است که در آن انسان فرد دیگری را نایب خود قرار می‌دهد تا در امری که مربوط به اوست، تصرف کند» (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۷۸).

لزوم و جواز وکالت

امام خمینی (ره) در جواز عقد وکالت چنین فتوا داده‌اند: «وکالت عقدی است که هم از طرف موکل جایز و قابل فسخ است و هم از طرف وکیل، بنابراین وکیل می‌تواند در حضور موکل و هم در غیاب او خود را عزل کند همچنانکه موکل می‌تواند او را عزل کند، لکن منعزل شدن وکیل بخاطر عزل موکل مشروط به این است که وکیل مطلع از عزل خود بشود پس اگر موکل او را عزل بکند ولی به اطلاع او نرساند ولو به اعلام شخصی موثق به گوش او نرسیده باشد منعزل نمی‌شود در نتیجه اگر در همین فاصله کاری انجام داده باشد (مثلاً معامله‌ای کرده باشد) آن معامله نافذ است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۷۵).

یکی از فروعی که در این خصوص از سوی عموم فقها بحث می‌شود و به خاطر افاده آن عمومیت دارد این است که مشهور فقها فرموده‌اند: وکالت می‌تواند عقد لازم باشد، در صورتی که به عنوان شرطی در ضمن عقد لازمی بیاید (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۸۲). البته این اشتراط باید به صورت شرط نتیجه باشد تا عقد جایز وکالت در ذیل شرط ضمن عقد لازم شود البته برخی دیگر از فقها برای لازم ساختن

عقد وکالت شرط ضمن عقد را کافی می‌دانند. یعنی کافی است که ضمن عقد وکالت شرط کند که موکل حق عزل وکیل را برای فلان مدت را ندارد یا شرط شود موکل نباید وکیل را تا مدت معینی عزل کند^(۱) (ایروانی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

باطل شدن وکالت

وکالت با موارد ذیل از بین می‌رود:

- اتمام عمل مورد وکالت؛ حال فرقی نمی‌کند که این عمل به دست وکیل انجام گیرد یا بدست موکل (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۸۷).
- با موت هریک از طرفین (وکیل و موکل). وکالت هم با مرگ وکیل باطل می‌شود و هم با مرگ موکل هرچند که وکیل از مردن او خبردار نشده باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۷۵).
- با تلف متعلق وکالت؛ مثلاً اگر کسی وکیل در فروش حیوان باشد، با مرگ آن حیوان وکالت او خاتمه می‌یابد (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۸۷).
- عزل وکیل توسط موکل یا انصراف خود وکیل از ادامه کار؛
- انفساخ به شرط ضمن عقد؛ در صورتی که موکل در ضمن عقد وکالت شرطی قرارداده باشد و بعد از قرارداد شرط محقق نشود، مثلاً موکل، وکیل را به شرط عدالت استخدام کرده باشد و بعداً فسق او مشخص شود (سیف‌لو، ۱۳۸۹: ۶۲).

توکیل وکیل

برای وکیل جایز نیست که دیگری را در انجام کاری که خودش وکیل انجام دادنش شده، وکیل نماید نه وکیل از طرف خود و نه وکیل از طرف موکلش، مگر به اذن موکل که به اذن او هر دو قسم توکیل برای او جایز است، (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۷۴).

ماده ۶۷۲ قانون مدنی: «وکیل در امری نمی‌تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد، مگر اینکه صریحاً یا به دلالت قرائن وکیل در توکیل باشد».

اجرت در وکالت

توکیل به جعل و غیر آن جایز است و وکیل زمانی استحقاق جعل را پیدا می‌کند که عمل موکل فیه را انجام داده باشد. بنابراین، اگر موکل او را وکیل در بیع یا شراء (خرید یا فروش) قرار دهد، وکیل به مجرد اتمام معامله می‌تواند در خواست اجرت خود را بنماید؛ اگرچه هنوز موکل ثمن و مئمن را تقدیم طرف مقابل نکرده باشد و همچنین است در وکالت در مرافعه که به محض اثبات حق، وکیل استحقاق گرفتن اجرت را دارد. اگر طرفین بر اجرت وکیل و مبلغ آن اتفاق داشتند، موکل همان مقدار را می‌پردازد. و اگر هر دو بر عدم پرداخت اجرت وکیل اتفاق داشته باشند؛ در این صورت، وکیل اجرتی اخذ نمی‌کند. اما اگر هنگام عقد وکالت متعرض وجود یا عدم اجرت نشده‌اند، موکل باید اجرت المثل آن را بپردازد، زیرا هرکس شخص دیگری را برای انجام کاری دعوت کند و شرط مجانی بودن آن را ننماید و عامل نیز قصد انجام کار مجانی را نداشته باشد، بر کسی که آن کار متعلق به اوست، پرداخت اجرت المثل در صورت عدم تعیین اجرت معین واجب است (سیف‌لو، ۱۳۸۹: ۶۵).

انضمام یا انفراد وکلا

جایز است دو نفر و بیشتر از طرف یک نفر و در انجام یک کار وکیل شوند، حال اگر موکل در کلام خود تصریح کند به اینکه هریک از آن دو نفر مستقل در انجام آن کارند و یا کلام او ظهور در این معنا داشته باشد همان متبع است و هریک مستقلاً و بدون مراجعه به دیگری می‌تواند آن کار را فیصله دهد و گرنه برای هیچ یک جایز نیست به تنهایی اقدام کند هر چند در صورتی که دیگری غائب یا عاجز باشد حال چه اینکه در شق دوم تصریح کرده باشد به اینکه باید آن کار را انجام دهند و یا کلامش مطلق باشد مثلاً بگوید: (من شما دونفر را وکیل خود کردم) و یا عبارتی نظیر این، و در این فرض اگر یکی از آن دو از دنیا برود در صورتی که اجتماع هر دو را شرط کرده باشد و یا معنای اطلاق کلام موکل، اجتماع باشد وکالت بکلی باطل می‌شود و در صورتی که تک تک را وکیل کرده باشد وکالت دیگری باقی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۷۴ و ۲۷۵).

۱. و اذا اشترط عدم العزل ضمن عقد الوکاله، فقد قیل بلزومها ایضاً.

در صورتی که موکل در ضمن اختیار چند وکیل شرط انفراد هر یک را نمود، آنگاه هر نفر به شرط تنها بودن حق تصرف در امر را دارد و در این مسئله اختلافی نیست (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۹۴).

ماده ۶۶۹ قانون مدنی در خصوص انضمام وکلا چنین است: «هرگاه برای انجام امری دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچ یک از آنها نمی‌تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید، مگر اینکه هر یک مستقلاً وکالت داشته باشد، در این صورت هر کدام می‌تواند به تنهایی آن امر را به جا آورد»

و ماده ۶۷۰ تصریح می‌کند که: «در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع وکیل باشند به موت یکی از آنها وکالت دیگری باطل می‌شود» (امامی، ۱۳۶۶: ۲۲۳).

ودیعه

ودیعه در لغت به معنی «سپردن» و «استقرار یافتن» است. علامه دهخدا و دیعه را چنین تعریف می‌کنند: ودیعه مونت و دیع و به معنای چیز به زنهار، داده شده و چیزی که نزد امین می‌سپارند (دهخدا، ۱۳۴۹: ۱۴۷).

تعریف اصطلاحی ودیعه در نزد فقها با تعبیر فقهی (هی استنباه فی الحفظ) معرفی شده است که به معنی «نائب گرفتن در حفظ» می‌باشد. الودیعه عقد یتضمن استنباه الغیر فی حفظ المال (ایروانی، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله در خصوص ودیعه می‌فرماید:

«ودیعه عقدی است که فائده آن نائب گرفتن دیگری در حفظ مال خویش است، و عبارتی دیگر نهادن مال خود در دست دیگری است تا او آن را برای مالکش حفظ و نگهداری کند، غالباً کلمه ودیعه را به آن مال اطلاق می‌کنند، صاحب مال را مودع و آن کسی که مال را نزد او امانت می‌گذارند، مستودع می‌گویند (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

ماده ۶۰۷ قانون مدنی در تعریف ودیعه می‌گوید: ودیعه عقدی است که بموجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آنکه مجاناً نگاهدارد...».

ماده ۱۹۱۵ قانون مدنی فرانسه نزدیک به همین تعریف است و عناصر اصلی ودیعه را «دریافت مال دیگری»، «تعهد نگهداری» و «استرداد عین مال» دانسته است. ماده ۱۹۱۸ این قانون نیز لازم دانسته است موضوع ودیعه «شیئی منقول» باشد. بنابراین عناصر اصلی عقد ودیعه چنین هستند:

- مالکیت مال برای ودیعه گذار باقی می‌ماند؛
- سپرده‌گیر تعهد نگهداری آن را دارد؛
- سپرده‌گیر تعهد استرداد «عین» مال را دارد (کاشانی، ۱۳۷۶: ۹۶).

آثار و احکام ودیعه

یکی از آثار که عقد ودیعه به دنبال دارد لزوم حفظ مال است. امین باید مال مورد ودیعه را به نحوی که امانت‌گذار خواسته است، حفظ نماید و اگر برای نگهداری ترتیبی از طرف مالک مقرر نشده باشد، بر اساس متعارف از آن نگهداری کند (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۴۳).

اگر دهنده‌ی امانت محل خاصی را برای حفظ امانتش معین کند و از کلام او قیدیت استفاده شود باید به همان محل اکتفا نموده، بعد از آنکه امانت را در آن جا گذاشت بجای دیگر انتقال ندهد هر چند که در آنجا محفوظ‌تر باشد، که اگر نقل دهد ضامن است. بله اگر در آن مکانی که وی معین کرده در معرض تلف باشد جائز است به جای امن‌تر انتقال بدهد و ضمانتی بر او نیست هر چند که صاحب امانت او را از این نقل نهی کرده باشد، مثلاً گفته باشد از اینجا جابجایش نکن هر چند که تلف بشود، لکن نزدیک‌تر به احتیاط این است که اگر حاکم در دسترس باشد به وی مراجعه نماید (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

یکی از مسائل مهمی که فقها در مورد این اثر ودیعه بحث کرده‌اند این است که اگر به هر ترتیب مال ودیعه تلف شود یا متحمل خسارتی شود، مسئولیت مستودع چیست؟ فقها در پاسخ این سوال مسئله تصرف در مال و ید را بحث می‌کنند.

تصرف در مال را «ید» می‌گویند خواه آن تصرف قانونی و یا غیر قانونی باشد. اما اگر تصرف در مال غیر به اجازه مالک و یا به اذن نماینده مالک و یا به اذن قانون باشد، ید را «امانی» می‌گویند و اگر تصرف در مال غیر بدون اذن مالک و قانون باشد، تصرف مزبور را تصرف غاصبانه خوانده و ید متصرف را ید «عدوانی» و «ضمانی» می‌نامند.

مهمترین تفاوت ید امانی و ید ضمانی را می‌توان به این نحو بیان کرد که فردی اگر دارای ید امانی باشد، علی‌الاصول مسئول تلف یا نقص مال مورد امانت نیست، مگر آنکه تعدی و یا تفریط و ثابت گردد. اما اگر فردی دارای ید ضمانی باشد، مسئول هرگونه نقص به مال دیگری است، هرچند که نقشی در ایجاد آن آسیب و ضرر به مال در اختیار خود، نداشته باشد (سیفولو، ۱۳۸۹: ۲۶). یکی دیگر از مسائلی که توسط فقها در باب ودیعه مورد بحث قرار گرفته است، مسئله بازگرداندن یا رد مال ودیعه است. امام خمینی (ره) در این خصوص عقیده دارند:

«رد ودیعه در اولین فرصت ممکن واجب می‌شود اگر مالک آنرا مطالبه کند هرچند که مالک کافر باشد (البته کافریکه مالش احترام داشته باشد) بلکه بنابر احتیاط هر چند کافر حربی باشد که مالش برای مسلمین مباح است، و در رد امانت مقدار واجب این است که دست از آن مال بردارد و بین آن و مالکش حائل نشود و اما اینکه خودش آنرا بردارد و به مالک برساند واجب نیست پس اگر مثلاً در صندوقی مقلد و یا اطلاقی دربسته قرارش داده همین کافی است که قفل را از صندوق بردارد و درب خانه را باز کند و به مالک بگوید امانت خود را بردار، به همین مقدار تکلیف خود را انجام داده و از عهده خود خارج ساخته است، همچنانکه در مسئله فوریت و رد آن در اولین فرصت ممکن فوریت عرفی کافی است، پس اگر در حال غذاست لازم نیست سیر نشده از طعام برخیزد و اگر در نماز است حتی در نماز نافله و امثال آن آن را بشکنند، و آیا اینکه جایز است برای احضار دو شاهد رد امانت را به تاخیر اندازد؟ اقوی این است که آری مگر آنکه احضار دو شاهد باعث تاخیر زیاد شود که در این صورت تاخیر جایز نیست مخصوصاً آنجائیکه با حضور شاهد امانت را به او نسپرد، البته این درجایی است که رخصت در تاخیر و عدم تعجیل نداشته باشد و گرنه اشکالی نیست در اینکه فوریت و مبادرت واجب نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). اما اگر رد مال ودیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند؛ از تاریخ امتناع، احکام امین بر او مترتب نیست و وی ضامن تلف و هر نقص و عیبی است که در مال ودیعه حادث گردد، اگرچه آن عیب و یا نقص مستند به فعل او نباشد؛ زیرا با قطع رابطه امانی، ودیعه منحل شده و متصرف غاصب به حساب می‌آید (نجفی، ۱۹۸۱م: ۱۲۷ و ۱۲۸).

بررسی تطبیق عقد ودیعه و سپرده‌گذاری بانکی

آنچه گذشت خلاصه‌ای از عقد ودیعه بود که با امعان نظر به نیاز فقهی موضوع تحقیق اختیار شده است. اکنون به بررسی تطبیق یا عدم تطبیق این عقد بر سپرده‌گذاری بانکی می‌پردازیم. با آنکه سپرده‌گذاری بانکی از جهت هدف و طبیعت نزدیکترین رابطه به عقد ودیعه است، با این حال هیچ‌یک از سه ویژگی^۱ مذکور در سپرده‌گذاری بانکی به چشم نمی‌خورد. این امر ناشی از موضوع سپرده بانکی یعنی پول می‌باشد. پول دارای ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر اموال جدا می‌سازد. از نظر اقتصادی، پول، «واحد محاسبه» و «وسیله پرداخت» است. از نظر حقوقی پول خواه فلزی یا اسکناس، یک شیئی مانند دیگر اموال نیست. گندم، گوشت و دیگر اموال دارای طبیعت مادی و ذاتی هستند و هیچ قانونی نمی‌تواند این ویژگی‌ها را از آنها بگیرد. ولی ویژگی‌های پول از ذات آن بر نمی‌خیزند بلکه از اراده قانون‌گذار سرچشمه می‌گیرد. این ویژگی‌ها دارای جنبه حقوقی هستند. در حقوق فرانسه سه قاعده بر طبیعت پول حاکم می‌باشد که مورد تصریح قانون پولی و بانکی ایران نیز قرار گرفته است. این قواعد چنین هستند:

(الف) رواج قانونی: اینکه گفته می‌شود پول خاصی و برای مثال ریال در کشور ما رواج قانونی دارد به این معنی است که هر بدهکاری با پرداخت مبلغی ریال برابر میزان بدهی خود، بری می‌شود و بستانکار تکلیف دارد این پرداخت را بپذیرد. این پرداخت، بدهکار را بری می‌کند و دین او را ساقط می‌کند. اگر این قاعده وجود نداشت پول نمی‌توانست وظیفه و نقش خود را به عنوان ابزار پرداخت ایفا کند. بند ب ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ این ویژگی را در مورد ریال پیش بینی کرده است.

(ب) ارزش اسمی: هنگامی که پول فلزی رایج بوده است و دولت‌ها به مردم بدهکار می‌شدند از نیروی حاکمیت انحصاری خود در زمینه ضرب سکه سود می‌جستند. به این طریق که با کم کردن وزن هر سکه فلزی، میزان بدهی خود را کاهش می‌دادند. این روش به فیلیپ لوبل در فرانسه نسبت داده شده است. پولی که وزن آن کاهش یافته قدرت ابراء خود را حفظ می‌کند و هر واحد آن برابر واحدهای سنگین پیشین به حساب می‌آید به صرف اینکه از حیث نام و ارزش ثابت مانده است. این همان اصل شناخته شده نومی‌نالیزم^۲ است. این قاعده در ماده ۱۸۹۵ قانون مدنی فرانسه آمده است که در جای خود دارای توجیهات حقوقی است. بند «و» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور ارزش اسمی اسکناس‌ها و سکه‌های فلزی را پیش بینی کرده است.

۱. مالکیت مال برای ودیعه گذار باقی می‌ماند، سپرده‌گیر تعهد نگاهداری آن را دارد، سپرده‌گیر تعهد استرداد «عین» مال را دارد

۲- nominalisme

ج) رواج اجباری: در آغاز انتشار پول‌های کاغذی و در شرایطی که مردم هنوز اعتماد لازم را نسبت به اسکناس به دست نیاورده بودند، در هنگام پیدایش بحران‌ها به ویژه جنگ، اعتبار پول کاغذی متزلزل می‌گردید. در این دوران پول کاغذی قابل تبدیل به طلا یعنی پشتوانه آن بود. بنابراین صف‌های طولانی در برابر گیشه‌های بانک‌ها برای تبدیل پول کاغذی به طلا وجود می‌آمد. از یک سو پذیرش همه این درخواست‌ها امکان‌پذیر نبود زیرا پشتوانه کافی در اختیار دولت وجود نداشت و از سوی دیگر این امر باعث صدمه به اعتبار دولت می‌گردید. به ویژه آنکه در معامله با دولت‌های دیگر که اصولاً پول کاغذی را نمی‌پذیرند و دولت ناگزیر از پرداخت طلا بوده می‌بایست مقدار کافی از اندوخته طلا همیشه در خزانه دولت باشد. بنابراین در فرانسه قانون یکم اوت ۱۹۱۴ هرگونه رابطه پول کاغذی با پشتوانه آن را قطع کرد و این امر یک دگرگونی بنیادی در مفهوم حقوقی پول کاغذی در بسیاری از کشورها گردید. در این شرایط بستانکاران ناگزیر بودند همین پول‌های کاغذی را که رابطه آن با پشتوانه طلا قطع گردیده بود در مقام پرداخت بدهی از سوی بدهکار بپذیرند. بند ج ماده ۲ قانون پولی و بانکی ایران نیز همین قاعده را در زمینه پول رایج کشور به مورد اجرا گذارده است (کاشانی، ۱۳۷۶: ۹۸-۹۶).

میان سپرده‌گذاری پول و عقد ودیعه جدایی‌های زیر را می‌توان ذکر کرد:

- بانک بر خلاف ودیعه، تعهد نگاهداری عین وجوه سپرده را ندارد و می‌تواند در برابر دیدگان سپرده‌گذاران این پول را به شخص دیگری تحویل دهد.

- بانک برخلاف ودیعه، تعهد ردّ عین آن را ندارد. تعهد بانک رد معادل همان پولی است که از سپرده‌گذار دریافت کرده است.
- بانک بر خلاف ودیعه، ضامن استرداد پول به سپرده‌گذار است حتی اگر در تلف مرتکب هیچ تقصیری نشده باشد (اصل عدم مسئولیت که در ماده ۶۱۴ قانون مدنی آمده است نسبت به بانک قابل اجرا نیست) (کاشانی، ۱۳۷۶: ۹۹).

شهید محمد باقر صدر معتقد است که سپرده‌های بانکی سپرده‌های ناقص می‌باشند زیرا بانک ملزم نیست که به همان صورت وجهی که سپرده شده است در موقع تقاضا، باز پرداخت کند (درویشی، بی‌تا: ۶۳).

از نظر شرعی سپرده از یک طرف بر سپرده شده اطلاق می‌شود و از سوی دیگر به مفهوم عمل سپرده‌گذاری در معنای پیمانی است که منظور از حفظ شرعی جبری حقیقی مراد باشد، آمده است.

بنابر مفهوم اول سپرده، مال یا دارایی (اعیان) است که نزد دیگری گذارده می‌شود تا برای مالک آن حفظ گردد و بنابر مفهوم دوم، پیمان سپرده‌گذاری است که از سوی مالک یا نایب او در مورد نگاهداری مالی یا دارایی (اعیان) با دیگری منعقد می‌شود، فرد اول را سپرده‌گذار و کسی را که سپرده را پذیرفته سپرده‌پذیر نامند.

در مورد تعریف سپرده به معنی «چیزی که به ودیعه گذارده می‌شود» و امر سپرده‌گذار در بین فقها اختلاف نظرهایی وجود دارد، برخی سپرده‌ها را تنها به مال محدود می‌نمایند و برخی دیگر امر سپرده‌گذاری را تنها نگاهداری آنچه که به سپرده‌گذار واگذار شده می‌دانند و شامل وکالت آن نمی‌دانند و گروهی آن را مقید به نگرفتن کارمزد (اجرت) می‌دانند و برخی گرفتن کارمزد را جایز می‌دانند (اکبریان، ۱۳۸۲: ۵۱۷).

از مطالب گفته شده فوق می‌توان دریافت که سپرده‌های بانکی که به صورت اصطلاحی به آنها سپرده عام گویند قابل تطبیق بر عقد ودیعه نبوده و دارای ماهیتی جدای از این عقد سنتی اسلامی هستند. سپرده‌گذاری در بانکداری بدون ربا در ایران از نظر عقود به کار گرفته شده تفاوتی ماهوی با سپرده‌گذاری بانکی متعارف دارد. همچنین با توجه به این تفاوت ماهوی نیازی به تطبیق سپرده‌گذاری بانکی با عقد ودیعه و یا هر عقد معروف شرعی دیگر وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله با تمرکز بر بخش ورودی بانک‌ها یعنی سپرده‌گذاری به بررسی ماهیت حقوقی و اقتصادی عقود مورد استفاده در این بخش پرداخته شد و ارزیابی دقیقی از لحاظ حقوقی و اقتصادی در این زمینه انجام شد. یکی از نتایج تحقیق عدم کاربرد عقد ودیعه در بخش سپرده‌گذاری بدلیل ماهیت آن می‌باشد. استفاده از عقود قرض و وکالت هم در شرایطی که بستر اجرای صحیح این عقود فراهم باشد، می‌تواند راهکاری صحیح و کارا در این زمینه تلقی گردد. در زمینه عقد قرض، مبحث جبران کاهش ارزش پول در شرایط تورمی اقتصاد ایران یکی از مسائل اساسی تلقی می‌گردد و در زمینه عقد وکالت هم نحوه تعیین سود علی‌الحساب و نوع پرداخت آن مورد مناقشه می‌باشد. به نظر می‌رسد استفاده از شاخص‌بندی توسط طلا یا ارز خارجی یکی از بهترین و قابل قبول‌ترین روش‌ها برای جبران کاهش ارزش پول می‌باشد و استفاده از اوراق سپرده می‌تواند بخش مهمی از مسائل مربوط به سود علی‌الحساب را برطرف نماید.

منابع و مراجع

- [۱] اکبریان، رضا (۱۳۸۲)، "تحلیلی از مفاهیم بهره و سپرده‌گذاری در اقتصاد و نظریه اقتصاد اسلامی"، مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۲.
- [۲] ایروانی، باقر (۱۳۸۰)، "دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی"، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، جلد ۲، قم.
- [۳] حائری، سید کاظم (۱۴۲۳ق)، "فقه العقود"، مجمع الفکر الاسلامی، قم.
- [۴] عاملی، حرّ (۱۴۱۳ق)، "وسائل الشیعه"، بیروت: مؤسسه‌ی آل‌البیت: لإحياء التراث العربی، اول.
- [۵] خان محسن، میرآخور، عباس (۱۳۷۰)، "مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی"، ترجمه ضیائی بیگدلی، محمد، موسسه بانکداری ایران، تهران.
- [۶] درویشی، ابراهیم، "نظریه‌های عقود در نظام بانکداری اسلامی"، تازه‌های اقتصاد، شماره نود، بی‌تا.
- [۷] دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۹)، "لغت نامه دهخدا"، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۴۳، تهران.
- [۸] سیفیلو، سجاد (۱۳۸۹)، "تحلیل مقایسه‌ای قابلیت تجهیز منابع مالی از طریق وکالتی و مشارکتی در نظام بانکداری بدون ربا و ارائه الگوی جدید برای بانکداری ایران"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- [۹] شیرانی علیرضا (۱۳۸۶)، "شناسایی زیر ساخت‌های توسعه بازارهای مالی و عوامل کلیدی موفقیت در صنعت بانکداری اسلامی"، مجموعه مقالات هجدهمین همایش بانکداری اسلامی، موسسه عالی بانکداری، تهران.
- [۱۰] صدر، سید کاظم (۱۳۷۴)، "آثار اقتصادی رفتار و عقد قرض الحسنه"، مقالات ششمین همایش بانکداری اسلامی، موسسه عالی بانکداری ایران، تهران.
- [۱۱] فرزین‌وش، اسدالله و شعبانی احمد (۱۳۸۱)، "بررسی عقود در بانکداری اسلامی"، پژوهشکده پولی و بانکی.
- [۱۲] کاشانی سید محمود (۱۳۷۶)، "بررسی حقوقی، چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲"، مجموعه مقالات هشتمین همایش بانکداری اسلامی، موسسه عالی بانکداری ایران، تهران.
- [۱۳] کاشانی، سید محمود (۱۳۷۶)، "بررسی حقوقی، چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا"، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران: موسسه عالی بانکداری.
- [۱۴] محقق‌نیا، محمد جواد (۱۳۹۳)، "الگوی بانکداری اسلامی"، قم؛ مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم).
- [۱۵] مراجع تقلید، (۱۳۸۷)، "توضیح المسائل"، تدوین: سیدمحمدحسن بنی‌هاشم اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۶] موسویان، سیدعباس (۱۳۸۱)، "طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۷، پاییز ۱۳۸۱.
- [۱۷] موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۰)، "تحریر الوسیله"، دارالعلم، جلد ۴، قم.
- [۱۸] میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۳)، "الگوی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی"، فصلنامه نامه مفید، شماره ۴۲، خرداد و تیر ۱۳۸۳.
- [۱۹] میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۱)، "مسائل بانکداری بدون بهره در تجربه ایران"، پژوهش‌ها و سیاستهای اقتصادی، شماره ۲۲، صص ۱۵۲-۱۲۵.
- [۲۰] هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۰)، "اوراق قرض الحسنه"، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰.
- [۲۱] موسویان، سید عباس (۱۳۹۳)، "بانکداری اسلامی: مبانی نظری - تجارب عملی"، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران، ویرایش سوم.
- [۲۲] نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷)، "جواهرالکلام"، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۳] نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱م)، "جواهر الکلام"، دارالحياء التراث العربی، جلد ۲۷، بیروت.